



نگاه رئیس محترم پژوهشگاه، حجت الاسلام والمسلمین مهدوی زادگان

جنگ تحمیلی و دروغ ایده جهان گفتمان

جماعتی خود برتر پندار مدعی سیاست دانی و آشنا به جهان سیاست به همراه دستگاه رسانه‌ای شان در یکی دو دهه اخیر همواره نظام اسلامی را به دشمن تراشی متهم می‌کردند. به زعم آنان عالم سیاست جهانی در صلح و صفا به سر می‌برد. ما چیزی به نام دشمن نداریم و نباید این واژه را در ادبیات سیاسی بکار برد، اگر هم منازعه‌ای میان دولت‌ها شکل بگیرد با مذاکره و گفتگو قابل حل است. این خوش خیالی تا بدانجا پیش رفته بود که می‌گفتند جهان امروز جهان گفتگو و گفتمان است و نه جهان موشک. به همین خاطر است که آنها تحت هر شرایطی، دست از ایده مذاکره بر نمی‌دارند. روی همین باور خام بود که هرگاه رهبر شهید (ره) از وجود دشمن و مکرهایش هشدار می‌دادند، این جماعت مدعی با گوشه و کنایه چنین هشدار را به زیر سوال برده در آن تردید به راه می‌انداختند. تا اینکه با وقوع دو جنگ تحمیلی در سال گذشته که منجر به شهادت رهبر حکیم و فرزانه و برخی از فرماندهان و دلاورمردان شجاع دفاع مقدس و دانش آموزان مینابی و مردم بی‌گناه و تخریب زیر ساخت‌ها شد بر ملت معلوم گشت که دشمن شناسی و هشدارهای رهبر شهید (ره) تا چه اندازه دقیق و درست بوده است. با وقوع دو جنگ تحمیلی دوازده روزه و جنگ رمضان در یک سال معلوم گشت که واقعیت دشمن توهم نیست بلکه بسیار هم واقعی و جدی است و نباید از آن غفلت کرد. همچنین معلوم شد که دشمنان ملت نه فقط آمریکا و رژیم صهیونی بلکه حکام مرتجع عربی نیز از سرکینه و حسادت سالیان درازی است که علیه ایران خصومت پنهان داشته‌اند...



نگاه خانم دکتر محمودیان، پژوهشگر فرهنگ و ارتباطات

شعارنویشته به مثابه سلاح نمادین؛ راهبرد ارتباطی هوشمندانه خیابان

شعارنویشته‌هایی که در هفته‌های اخیر پررنگ‌تر از قبل، در تجمعات شبانه روی دست‌ها بلند می‌شوند، یک پدیدهٔ خلاقانهٔ رسانه‌ای به‌شمار می‌آیند. این رسانه‌های کوچک دست‌نویس، در واقعیت، نمایندهٔ جریان گذار از ارتباطات رسمی و ساختاریافته به ارتباطات مستقیم و تجربی در فضای بحرانی است و زوایای قابل تأملی دارد. در اولین نگاه، در عصر رسانه‌های دیجیتال و اخبار دست‌کاری شده،

پلاکارد دست‌نویس، نوعی رسانهٔ ابتدایی محسوب می‌شود که به دلیل ماهیت فیزیکی و به دور از تظاهرات رسمی، در ذهن مخاطب، صاحب اصالت است. مخاطب می‌داند که این پیام از فیلتر ویراستاران، سانسورچی‌ها یا مداخله‌گران نهادی عبور نکرده است. این ناخالصی نوشتاری، با همهٔ خطاهای ظاهری محتمل، یک مهر تأیید بر حقیقت بودن پیام است. تضاد میان خط‌های لرزان، دست‌خط‌های ساده و کاغذهای برش خورده، شدت حرارت و فوریت پیام را به مخاطب منتقل می‌کند؛ چیزی که متن‌های تایپ‌شده و بنرهای چاپ‌شده و رسمی هرگز نمی‌توانند منتقل کنند. از سوی دیگر این شعارنویشته‌ها نماد گذار از ارتباط عمودی به ارتباط افقی و مستقیم است. در ساختارهای سنتی، ارتباط مردم با مسئولین معمولاً عمودی و از طریق لایه‌های ثابت در ساختارهای نهادی است. اما پلاکارد، این ساختار را می‌شکند. وقتی مردم، مسئولی را مستقیم نام می‌برند، فاصله قدرت را به شدت کاهش می‌دهند. این یعنی رسانه از حالت گزارش‌گری به حالت رویارویی رسیده است. شعارنویشته‌ها، الگوهای معمول گفتگو را دور می‌زنند. صراحت شعارهای روی شعارنویشته‌ها در واقع نوعی بازتعریف آزادی و حق بیانی است که از همان روزهای آغازین انقلاب اسلامی توسط امام خمینی برای مردم تعریف شده بود. پایان سخن، آنکه شعارنویشته‌ها به مثابه سلاح نمادین در میدان رزم نوشتاری هستند؛ بدان معنا که کلمات، دیگر صرفاً ابزار انتقال اطلاعات نیستند، بلکه ابزار جنگی شده‌اند. اینکه در کنار توصیه به مسئولین و حمایت از آنها، همدلی با مردم و اعلان‌های پرمحبت و اعلام وفاداری به رهبر انقلاب، دیده می‌شود، نشان‌دهنده یک تاکتیک ارتباطی هوشمندانه است. این یعنی جامعه در حال مدیریت تنش‌های داخلی و تهدیدات خارجی به طور همزمان در کف خیابان است.



نگاه خانم دکتر محمدی عراقی، عضو هیئت علمی

زن ایرانی به مثابه سوژه انقلابی

روشنفکران غرب‌زده و نظریه‌پردازان غرب‌پرست با همراهی پیاده نظام‌های استکبار در شبکه‌های معاند، سال‌ها کوشیدند تصویری از زن ایرانی به مثابه سوژه‌ای محبوس در خانه، ستم‌کش و بی‌کنش ارائه دهند. در مقابل، نظام جمهوری اسلامی را حکومتی ضدزن و مردسالار معرفی کردند که هیچ کنشگری و جایگاهی را برای زن در جامعه به رسمیت نمی‌شناسد. به افکار عمومی جهان اینگونه القا



نگاه خانم دکتر فاطمه رایگانی، عضو هیئت علمی

نقش تعیین کننده توان هویتی

اکنون و پس از گذشت حدود یک ماه از سکوت صحنه نظامی در جنگ سوم تحمیلی، و استمرار جنگ به اشکال دیگر بین ایران و آمریکا و متحدانش، واضح است که ما در یک جنگ هویتی قرار گرفته ایم. دو هویت متعارض به تمامه مقابل هم قرار گرفته اند و تمام امکانات هم را به چالش می کشند. در جنگ هویتی در کنار توان نظامی و اقتصادی و... توان هویتی نقش تعیین کننده ای دارد. توان هویتی را دو عنصر مهم پشتیبانی می کند: جغرافیا و تاریخ. اسرائیل به عنوان موجودیتی با تاریخ بی مکان و آمریکا به عنوان مکانی بی تاریخ و امارات بدون هردوی این ها در نزاع با ایرانی است که سرشار از تاریخ و واجد مکان گسترده است. امکانات مکانی خودش را در بازدارندگی به واسطه تنگه هرمز نشان می دهد و امکانات تاریخی به صورت بازدارندگی در تجمعات شهادت طلبانه خیابان. دو گزینه ای که طرف مقابل با تمام امکاناتش فاقد آن است و امکان خلقش را نیز ندارد. در چنین منازعه ای دست برتر هویتی پیشران کسب قدرت در دیگر مولفه های قدرت شده و صورت بندی شکست و پیروزی را تعیین می کند.



نگاه جعفر علیان نژادی، پژوهشگر اندیشه سیاسی

برنده بازنده

امروز بعد از ظهر ترامپ با حروف بزرگ انگلیسی، تویییتی زد که در آن نوشته بود، «ماجرای بی بس است، بروید برای بردن». این تویییت را که خواندم، اتفاقی با داستانی خیالی از کافکا مواجه شدم. داستان شناگری که قهرمان المپیک شده بود اما شنا بلد نبود و نمی دانست چرا به او مدال داده اند و چرا مردم حمایتی از گل دورگردنش انداخته اند. این داستان حالتی معماگونه دارد در عین حال نکته ای طنزآمیز درون خود جای داده که بی مناسبت با موضوع ما در این نوشته کوتاه نیست. اینکه قهرمانی می تواند محصول بی کفایتی باشد، یا وجود برندگان وابسته به وجود بازنده ها است. یا سرآمدی در کاری چیزی نیست جز عاجز بودن در آن کار. تقریباً همه این برداشت ها که آمد، بی شباهت با وضعیتی که ترامپ در آن خود را برنده می داند و برخی دیگر از کشورهای منطقه نیز حمایتی دور گردن او می اندازند، نیست. آمریکا و به طریق اولی ترامپ، برنده و ابرقدرت زمینی در منطقه ما بوده اند که در آن همه رقبا از قبل خود را بازنده می دانسته اند....

شد که تنها زنانی که از چارچوب های اسلام و حکومت اسلامی فراتر رفته و در مقابل قوانین اسلامی قد علم کنند و از زیر بار محدودیت های عفاف و حجاب شانه خالی کنند، می توانند به کنشگرانی مؤثر در جامعه تبدیل شوند. سال ها تمام توان خود را به کار گرفتند تا زن عفیف و با حیای ایرانی را بی سواد و متحجر و ستم کش نشان دهند. آنان با فتنه زن زندگی آزادی بر این آتش دمیدند و کشور را دچار خسران های فراوان کردند. اما اکنون در میادین و خیابان ها زنانی از مکتب امام شهید برخاسته اند که تمام جهانیان از قدرت، توانمندی، شجاعت، صبوری، پویایی و پشتکار آنان انگشت به دهان مانده اند. زنانی که بیش از شصت شب است که خانواده و میدان را به موازات هم و به بهترین شکل مدیریت می کنند و به خاری تیز و برنده در چشم دشمنان داخلی و خارجی تبدیل شده اند. اکنون زمان آن رسیده که هر چه در این ایام در معرفی زنان تربیت یافته مکتب خامنه ای شهید به جهانیان، کم کاری و قصور شده، جبران شود. بنابراین، اگر زن ایرانی به مثابه سوژه انقلابی و مصداق الگوی سوم زن مسلمان را که این شب ها در میادین و خیابان ها، یکی از مهم ترین نقش ها، (اگر نگوییم نقش اصلی) را در این جنگ تحمیلی ایفا می کند، به رخ تمام جهانیان نکشیم، بی تردید مدیون نسل های آینده خواهیم بود.



نگاه دکتر محمد باقر منفردنیا، عضو هیئت علمی

هندسره پیشرفت در آینه کار و تعلیم

پیام امسال رهبر انقلاب برای روز کارگر و معلم، فقط مجموعه ای از توصیه های مناسبتی نیست؛ نقشه ای فشرده برای فهم نسبت «تولید»، «تربیت» و «پیشرفت» است. تأکید هم زمان بر کارگر، معلم، خانواده، کسب و کارهای خرد و مصرف کالای داخلی نشان می دهد که پیشرفت، محصول تصمیم های جدا از هم نیست، بلکه از پیوند حلقه هایی به ظاهر پراکنده پدید می آید. در این منظومه، کارگر صرفاً نیروی کار نیست، بلکه یکی از ارکان پایداری اقتصاد ملی است؛ چنان که معلم نیز فقط ناقل دانش نیست، بلکه معمار سرمایه انسانی و فرهنگی کشور است. از همین رو، هرگونه اختلال در شأن معیشتی یا منزلت اجتماعی این دو رکن، در مقیاسی وسیع تر، به تضعیف بنیان های پیشرفت می انجامد. آنچه در این میان اهمیت مضاعف می یابد، تبدیل این مضامین به فهم عمومی و رویه اجرایی است. هرگاه خانواده، مدرسه، دانشگاه، کارگاه و بازار در یک نسبت هم افزا قرار گیرند، امید از سطح گفتار فراتر می رود و به نیروی محرک جامعه بدل می شود. ایران امروز، بیش از همیشه، به چنین هم افزایی مولد نیاز دارد؛ هم افزایی ای که می تواند مسیر پیشرفت را هموارتر، افق آینده را روشن تر و سرمایه اجتماعی را استوارتر سازد.



دفتر پژوهش و نشر آراء حضرت آیت الله العظمی خامنه ای قدس سره

